

مراسم هفته مقدس

مصر و عبور آنها از دریای سرخ توسط موسی برگزار میشد. لیکن در هنگام صرف این شام خداوندمان عیسی مسیح دست به یک ابتکار کاملاً جدیدی زد، او در حالیکه نان را برداشت و پس از سپاسگزاری آنرا پاره کرد به شاگردانش داد و گفت: "بگیرید و بخورید این بدن من است. آنگاه پیاله را برداشت و پس از شکرگزاری آنرا به شاگردانش داد و گفت: همه شما از این بنوشید زیرا این خون من است که اجرای پیمان تازه را تأیید می کند و برای آمرزش گناهان بسیاری ریخته میشود" (انجیل متی باب ۲۶ آیه ۲۸).

در حین صرف « شام آخر » خداوندمان عیسی مسیح یکی از مهمترین و بزرگترین هفت راز کلیسا به ما سپرد، یعنی راز قربانی مقدس که به یادبود مرگ و رستاخیز وی هر یکشنبه برگزار میشود. رازیکه توسط آن فیض نجات ابدی و زندگی جاودانی را به همه بشریت عطا داده شده است. عیسی فرمود: "یقین بدانید اگر بدن پسر انسان را نخورید و خون او را نیاشامید در خودتان حیات ندارید. هر که بدن مرا بخورد و خون مرا بیاشامد حیات جاودان دارد و من در روز بازپسین او را زنده خواهم ساخت" (انجیل یوحنا باب ۶ آیه ۵۳-۵۴).

همچنین روز پنجشنبه مقدس، علاوه بر برقرار کردن راز قربانی مقدس، نجات دهنده مان به انجام کار دیگری که باعث حیرت و تعجب شاگردانش شد پرداخت، ایشان از سر سفره برخاست، کمرش را با حوله بسته و مشغول شستن پاهای آنان گردید. او که سرور و خداوند است راضی شد کاری انجام دهد که خدمتکاران و بردگان انجام میدادند و از این طریق خواست پیامی بسیار با ارزش به

دوستان گرامی، به آخرین هفته روزه پنجاهه رسیدیم که به نام هفته مقدس معروف می باشد. این هفته با یکشنبه اوشعنا آغاز می شود و با یکشنبه رستاخیز به اوج خود میرسد. برای ما مسیحیان این هفته زمان عبادت و نیایش بسیار با ارزش و مهم است، به همین دلیل کلیسای مقدس از همه ما می خواهد تا در اتفاقاتی که برای خداوندمان عیسی مسیح در طول این هفته رخ داده با قلبی آکنده از ایمان و عشق و علاقه تأمل و تعمق نماییم.

انجیل مقدس ورود عیسی به اورشلیم یکشنبه اوشعنا اینطور بیان میکند: "در حالیکه عیسی سوار بر الاغی بوده وارد اورشلیم شده و از طرف جمعیت بعنوان «پسر داود» مورد استقبال قرار می گیرد و مردم به نشانه احترام لباسهای خود و شاخه های درختان را به پای او نثار می کنند و فریاد زنان می گفتند: «سپاس باد بر پسر داود، مبارک باد آن کسی که بنام خداوند میاید، خدای متعال او را مبارک سازد»" (انجیل متی باب ۲۱ آیه ۹).

یکشنبه اوشعنا، خداوندمان عیسی مسیح، برای آخرین بار وارد اورشلیم میشود، چند روز بعد ملایان و رؤسای یهود در اثر مخالفت شدید با وی او را دستگیر می کنند و مصلوب میگردد. اما از دیدگاه ما ایمانداران مسیحی ورود عیسی به اورشلیم زمینی نمادی است از ورود او به اورشلیم سماوی، یعنی ملکوت آسمانی و تحقق بخشیدن به نبوت هایی که درباره او گفته شده بود.

رویداد دیگر، روز پنجشنبه مقدس بوقوع پیوست. در آن روز عیسی و شاگردانش برای برگزاری شام فصح جمع شده بودند، این مراسم به یادبود آزاد شدن یهودیان از

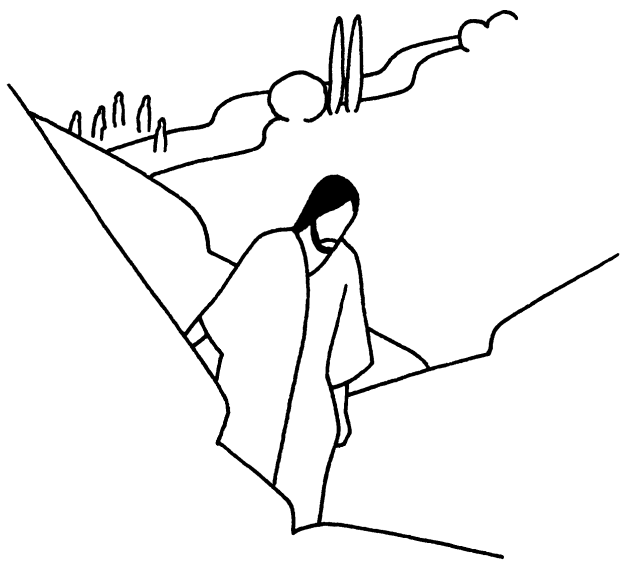
دوستان عزیز: سعی کنیم تا در طول ایام هفته مقدس، از راه دعا، توبه و شرکت کردن در مراسم کلیسا در اتحاد با عیسی مسیح نجات دهنده ما زندگی کنیم، او را در پیمودن راه صلیب همراهی نماییم، در رنج و مرگ او شریک شویم تا در رستاخیز پر جلال او نیز سهیم گردیم. سال رحمت که در آن بسر می بریم بما یاد آوری میکند که عیسی از راه رنج و مرگ و رستاخیز وی کمال رحمت خدا برای ما مجسم کرد. او راز خدای رحیم و مهربان برای کل بشریت آشکار ساخت، خدائیکه ما را بصورت و شمایل خود آفریده و با فرستادن پسر محبوبش حیات جاودانی به ما داده است.

هفته مقدس بر همه شما عزیزان مبارک باد.

خدمتگزار شما

رمزی گرمو

اسقف اعظم خلیفه گری آشوری کلدانی کاتولیک تهران



همه قدرتمندان و سلطه گران را برساند که عبارت است از: «قدرت و سلطه جهت خدمت کردن و فروتن بودن است و نه برای متکبر شدن و سوءاستفاده کردن از دیگران می باشد». او صریحاً فرموده بود: "پسر انسان نیامد تا خدمت شود، بلکه تا خدمت کند و جان خود را در راه بسیاری فدا سازد" (انجیل متی باب ۲۰ آیه ۲۸).

اما روز جمعه مقدس، کلیسا مرگ نجات بخش مسیح را گرامی میدارد، مرگ آن مرد عادل که جان خود را فدا کرد تا اینکه محبت بی کران او برای کل بشریت ثابت نماید. "محبتی بزرگتر از این نیست که کسی جان خود را فدای دوستان خود کند" (انجیل یوحنا باب ۱۵ آیه ۱۳). و همچنین "شبان نیکو جان خود را برای گوسفندان فدا میسازد" (انجیل یوحنا باب ۱۰ آیه ۱۱).

مرگ عیسی یک واقعه تحمیلی نیست لیکن او آزادانه بسوی مرگ رفت چون خواسته پدر آسمانی این بود که او توسط مرگ مبارکش مأموریت نجات بخش خود را به اتمام برساند، به همین دلیل طبق انجیل یوحنا ساعت مرگ مسیح ساعت جلال یافتن او نیز می باشد. عیسی فرمود: "اکنون جان من در اضطراب است، چه بگویم؟ آیا بگویم: ای پدر مرا از این ساعت برهان؟ اما برای همین منظور، به این ساعت رسیده ام. ای پدر نام خود را جلال بده. در آن وقت صدایی از آسمان رسید که می گفت: آنرا جلال داده ام و باز هم جلال خواهم داد" (باب ۱۲ آیه ۲۷-۲۸).

شنبه مقدس که به شنبه نور معروف است، کلیسا یا سکوتی عمیق و تأمل ژرف به آن کسبیکه پهلویش با نیزه باز شده بود نگاه میکند، نگاهیکه نشانه محبت و امید به سرور و خداوند او بوده و در انتظار رستاخیز شکوهمند او می باشد، اتفاقیکه روز یکشنبه بزرگ انجام خواهد گرفت و سر چشمه حیات نوین و سعادت پایان ناپذیر خواهد بود برای همه کسانیکه اعتراف میکنند که عیسی آن مسیح موعود و خداوند است. "زیرا اگر با زبان خود اعتراف کنی که عیسی، خداوند است و در قلب خود ایمان آوری که خدا او را پس از مرگ زنده ساخت نجات خواهی یافت" (رساله به رومیان باب ۱۰ آیه ۹).

سرود های "خادم خدا"

همانطور که در کتاب/اشعیاء/اول (ابواب الی ۳۹) سرود هایی داریم که میتوان آنها را تحت عنوان کتاب عمانوئیل در کنار هم گذاشت، در کتاب/اشعیاء/دوم (ابواب ۴۰ الی ۵۵) نیز سرودهایی داریم که میتوان آنها را تحت عنوان سرودهای خادم خدا/ در کنار هم نهاد.

فهرست "سرودهای خادم خدا" عبارت است از: سرود اول اشعیاء ۱/۴۲-۴ و ۹. سرود دوم اشعیاء ۱/۴۹-۹ الف. سرود سوم اشعیاء ۴/۵۰-۱۰. سرود چهارم اشعیاء ۱۳/۵۲-۱۲/۵۳.

یک چهره مرموز

در کلام خدا هر کسی که از سوی خدا دعوت به همکاری برای بانجام رسیدن نقشه نجات گردد، خادم خوانده میشود. ابراهیم و موسی و داود و ایوب خادم خوانده شده اند. حتی شخصیت های غیر یهود مثل کورش پادشاه هخامنشی و نبوکد نصر پادشاه بابل نیز این لقب را یافته اند. با این وجود، این لقب از آن کسی است که در چهار سرود کتاب تسلی آمده است.

این خادم کیست؟ نبی از چه کسی صحبت میکند؟ آیا منظور خودش است؟ آیا از زمانی که قوم در تبعید بین النهرین بود، سخن میراند؟ و یا از هر کسی که وفادارانه برای سعادت دیگران مبارزه میکند؟ و شاید هم از همه این موارد. امروزه متخصصین، یک صدا معتقدند که نویسنده این سرودها همزمان از قوم اسرائیل و از یک مسیح مشخص صحبت کرده است.

بنظر میرسد که این نبوت در خلال قرون سیر کرده باشد و نهایتا در عیسی مسیح خادم واقعی خدا به تحقق رسیده است؛ او که برگزیده پدر، نور مردمان بود، و با تقدیم زندگیش، نجات دهنده جهان شد و نهایتا پدر آسمانی او را جلال بخشید.

شکوهی که از راه صلیب به آن دست یافت. رنجی که نجات بخش است

در متن چهار سرود مذکور مشخصات این خادم در اختیار ما قرار داده شده است. این مشخصات به طرز عجیبی با مسیح مطابقت دارند. خدا او را انتخاب میکند، میخواند، و با روح القدس تقدیس میکند، که اینچنین مبدل به خادم محبوب گشته و مرد کلمه میگردد. خادم از خدا اطاعت میکند و با برادرانش همدرد میگردد. او با وسوسه شیطانی خادم نبودن مقابله میکند (آزمایشات مسیح در بیابان). مأموریت بهم پیوستن انسانها را قبول میکند و وسیله نجات میگردد تا خدا از طریق او عهدش را با قوم نو سازد.

این خادم خدا مأموریتش را بدور از هر نوع تبلیغ و یا خشونت بانجام میرساند. او بر حسب روح القدس عمل میکند: شیرین در مقابل ضعفاء و محکم در مقابل عذاب. بره خدا گناه جهان را بر خود میگیرد و رنج و عذاب ناعادلانه را بر خویشتن قبول میکند. آن را در سکوت میپذیرد. بدون دفاع از خود. بدون آنکه تأدیب شکنجه گران را طالب شود. او شجاعانه عمل میکند و تسلیم او بی با کانه است. سکوت وی بخاطر گناهکار بودنش نیست، بلکه آکنده از سخن و فریادهاست.

رنج او بی گناه و نجات بخش است. رنج او گناه جهان را آشکار میسازد. چشمان انسانها را باز میکند تا به گناهشان پی ببرند. پشیمانی و بخشش را هدیه میکند. عدالت تازه ای که مال این دنیا نیست و که عیسی از آن در سعادتتهای انجیل سخن میراند، به ما معرفی میکند. این خادم تحقیر شده و رد شده از سوی آدمیان، نهایتاً نور اقوام شد؛ دری که بروی جهانیان بسوی نجات گشوده شده است.

کلیسا، خادم خداوند

بعد از رستاخیز، کلیسا نماینده راز نجات بخش عیسی در جهان است: "از پری او همه ما بهره مند شده ایم". هر مسیحی ای در صورتی که اجازه دهد روح خدا در او فعال باشد، میتواند خادم خداوند گردد. او میتواند خدمت عیسی مسیح را که راس کلیسا میباشد بر روی زمین ادامه دهد. زیرا همه ما فراخوانده شده ایم تا با کلام و عمل در رنج همگان شریک گردیم.

دهان خود را نگشود

فکر اینکه اگر کسی خود را در مقابل ناسزاهای دشمنانش دفاع نکند، شخص نادانی است، حتی در میان مسیحیان نیز شایع میباشد. انسانها به خشونت یک اعتماد و اعتقاد کور دارند، آن را همچون ابزار مهمی برای ادامه زندگی میداد، بخصوص در ایام فعلی جهان.

باز هم برای یکبار دیگر راههای خدا با راههای انسان بسیار متفاوتند (اشعیا ۸/۵۵)؛ چرا که چهره خادم رنجبر خدا که بی گناه است و ناعادلانه تحت ظلم واقع شده، اما در مقابل شکنجه گرانش سکوت اختیار میکند، سوال برانگیز است. خادم خدا راههای خشونت را اختیار نمیکند، بلکه با تمام وجودش در پی بستن آنهاست. او هم می تواند مقابله به مثل کند، انتقام بگیرد و دشنام دهد. اما نمیخواهد در مقابل حمله، حمله کند. با سکوتش میخواهد انسانها متوجه راهی که در پیش گرفته اند، بشوند. خادم رنجبر خدا عدم درک انسانها و خودخواهی و زشتی اعمالشان را بر دوش خود میکند، یعنی آنچه که ما را از هم و از خدا جدا میسازد. این معنی نجات است. این همان کاریست که عیسی پسر خدا کرد. رنج و عذابی که او متحمل شد نه تنها به منزله یک تأدیب نیست، بلکه دلیل نجات انسان شد.

به همین دلیل رفتار عیسی در مقام خادم رنجبر خدا هیچ ارتباطی با علاقمند بودن به رنج کشیدن ندارد. مسیح نه بدنبال رنج بود و نه فکر میکرد که با شکست میتواند پیروز شود.

باید با بی عدالتی مبارزه کرد، آنچه که شرارت است و باعث نکبت و ویرانی میگردد. اما راه درست مبارزه نابود کردن نیست. راهی که عیسی خادم رنجبر خدا در پیش گرفت این بود که او محبت کرد، بخشید، و اجازه نداد که حمله دیگران تعیین کننده رفتار خودش شود. پولس رسول هم ما را تشویق میکند تا با نیکی کردن، با بدی مبارزه کنیم (رومیان ۱۴/۱۲-۲۱). حرف آخر از آن محبت است.

سرود اول خادم خدا اشعیاء ۹-۱/۴۲

اینک بنده من که او را دستگیری نمودم و برگزیده من که جانم از او خشنود است؛ من روح خود را بر او می نهم تا انصاف را برای امت ها صادر سازد. او فریاد نخواهد زد و آواز خود را بلند نخواهد نمود و آن رادر کوچه ها نخواهد شنواید. نی خرد شده را نخواهد شکست و فیتله ضعیف را خاموش نخواهد ساخت، تا عدالت را به راستی صادرگرداند. او ضعیف نخواهد گردید و منکسر نخواهد شد تا انصاف را بر زمین قرار دهد و جزیره ها منتظر شریعت او باشند. خدا یهوه که آسمانها را آفرید و آنها را پهن کرد و زمین و نتایج آن را گسترانید و نفس را به قومی که در آن باشند و روح را بر آنانی که در آن سالکند میدهد، چنین میگوید: "من که یهوه هستم ترا به عدالت خوانده ام و دست تو را گرفته، تو را نگاه خواهم داشت و تو را عهد قوم و نور امت ها خواهم گردانید. تا چشمان کوران را بگشایی و اسیران را از زندان و نشینندگان در ظلمت را از محبس بیرون آوری. من یهوه هستم و اسم من همین است. جلال خود را به کسی دیگر و ستایش خویش را به بتهای تراشیده نخواهم داد. اینک وقایع نخستین واقع شد و من از چیزهای نو اعلام میکنم و قبل از آنکه بوجود آید شما را از آنها خبر می دهم.



آنکه از بالا نگاهمان می‌کند!

عیسی گفت: من به شما می‌گویم که خدا دعای این باجگیر را شنید و او را بخشیده عادل به حساب آورد. اما آن فریسی نیازی به خدا ندارد. او خودش گفت و خودش شنید. او کاملاً از خود راضی بود.

هر کس خود را بالا ببرد، پائین آورده شود و هر که خود را پائین نگاه دارد، یعنی سعی کند خودش را آنطور که هست بشناسد، خدا او را سر بلند خواهد کرد.

معنی کلمات:

فریسی: مردانی بودند بسیار پابند به قوانین دینی، اما گاهی یادشان می‌رفت که چرا خدا این قوانین را گذاشته است.

عادل به حساب آورد: ما انسانها نمی‌توانیم بفهمیم که در قلب هر کس چه می‌گذرد و یا زندگی او چگونه گذشته است. تنها خدا می‌تواند درباره انسان قضاوت درست را اعلام کند. در حقیقت فقط خدا می‌داند که کی ما عادل (درستکار) هستیم و کی نادرست می‌باشیم.

**هیچکس کاملاً خوب
و یا کاملاً بد نیست.**

برای هر باری که فکر می‌کنیم کاری که انجام می‌دهیم، خیلی درست است و در عوض دیگران را کوچک می‌کنیم، عیسی این حکایت را برای ما تعریف می‌کند:

دو مرد به معبد بزرگ رفتند. یکی از آنها فریسی بود. فریسیان به قوانین دینی بسیار وفادار بودند. اما آن دیگری جمع کننده مالیات بود. در زمان عیسی مسیح به کسانی که جمع کننده مالیات بودند، به چشم خوبی نگاه نمی‌کردند.

آن فریسی با سر بلند ایستاده و با خوشحالی تمام، اینچنین به خودش می‌گفت:

خدایا از تو ممنون هستم که با دیگران خیلی فرق دارم، خیلی‌ها دزد و بدکار و دروغگو می‌باشند. اما من مثل آنها نیستم! مثل این باجگیر (مامور مالیات) هم نیستم، بلکه خیلی بهترم! تو می‌دانی خدایا، که من دو بار در هفته روزه می‌گیرم، ده یک هر چه دارم را به معبد پرداخت می‌کنم، و با گناهکاران کاری ندارم... من عین دستوری که در دین آمده زندگی می‌کنم.

کمی دورتر از فریسی، آن باجگیر در مقابل خدا به زمین افتاده بود و با مشت به سینه خود می‌زد و جرات نداشت به آسمان نگاه کند. او چنین دعا کرد:

خدایا، تو بسیار بزرگ هستی و من بسیار کوچکم. اگر میل داری، به من کوچک نگاه کن و بر من رحم نما! چون من فقط یک گناهکار هستم.

«قدرت عشق»

درهای قطار در یکی از ایستگاهها باز شد و ناگهان سکوت بعد از ظهر با عربده و فحش های نامفهوم مردی در هم شکست. مردی تلوتلو خوران وارد واگن شد. او درشت هیكل و مست بود و لباس کارگری بر تن داشت.

عربده کشان تنه ای به یکی از زنانی که بچه ای در بغل داشت زد. با ضربه او زن بینوا چرخ زنان بر دامان یک زوج پیر افتاد. واقعاً معجزه بود که هیچ آسیبی به بچه نرسید.

زوج پیر ، هراسان و وحشت زده از جای پریدند و به سمت دیگر واگن خیز برداشتند. کارگر با لگد پشت زن را نشانه گرفت ، اما سرعت او باعث شد که لگد کارگر به او اصابت نکند. این حرکت به قدری مرد مست را از کوره به در برد که میله فلزی وسط واگن را چنگ زد و کوشید که آن را از جا بکند ، یکی از دستهایش زخمی شد و خون از آن جاری بود.

آن زمان جوان بدم ، و بدنم به اصطلاح رو فرم بود. سه سال تمام بود که هر روز از اول صبح ، هشت ساعت تمرین «آیکیدو» می کردم. عاشق بزن بزن و دعوا بودم ، فکر می کردم که سرسخت و قوی هستم.

از جای که برخاستم با خود گفتم: «این لحظه ای است که مهارت رزمیم را به طور عملی مورد آزمایش و امتحان قرار دهم. مردم هم در خطرند اگر من فوری کاری نکنم ، بدون تردید کسی آسیب خواهد دید.»

مرد مست با مشاهده بلند شدن من دریافت که می تواند خشم و غضب خود را روی من متمرکز کند. او هوار زنان گفت: «باشه! بهت درسی بدم که تا عمر داری مزه اش را فراموش نکنی!»

ثانیه ای قبل از حمله او ، مردی با صدای بلندی گفت: «هی!» صدایش گوشخراش و کر کننده اما شاد و دلنواز بود. هر دوی ما به مرد ریز نقش پیری که آنجا نشسته بود ، خیره شدیم. پیرمرد با اشاره به او گفت: «بیا اینجا! بیا اینجا باهم صحبت کنیم.»

مرد اطاعت کرد ، انگار تمام اختیارش دست او بود. کارگر مست گفت: «چرا باید با یه لعنتی مثل تو صحبت کنم؟» پیرمرد با علاقه و جذبۀ تمام پرسید: «چی خوردی ، پسر؟» مست گفت: «به تو مربوط نیست.» آب دهان مرد مست بر روی لباس پیرمرد پاشیده شد.

پیرمرد گفت: «عالیه ، پسر ، عالیه. من هم گاهگداری عصرها زیر درخت خرما لوی منزلمان می نشینم و کمی می نوشم.

درختو ، پدر پدر بزرگم کاشته. فقط خدا می دونه از بارون و یخبندون سال آینده جان سالم به در می برده یا نه؟ تا حالا که وضعش خیلی خوبه ، هر چند که خاک خونه مون چندان تعریفی نداره. وقتی نم نم باران می آد ، پسر ، می رم زیرش می شینم و از صدای بارون لذت می برم!»

او چشمک زنان نگاهی به مرد مست انداخت. صورت خشمگین مرد مست با ادامه صحبت های پیرمرد نرم تر و نرم تر می شد و مشت های گره کرده اش بتدریج از هم باز می شدند. مرد گفت: «آره. من هم مثل تو عاشق درخت خرما لویم ...»

پیرمرد تبسمی کرد: «آره ، معلومه. حتم دارم زن خوبی هم داری.»

مرد مست بی درنگ پاسخ داد: «نه ، ندارم. عمرشو داده به شما.»

سپس در حالی که با تکان های منظم قطار به این طرف و آن طرف می جنبید ، شروع به گریستن کرد.

«من زن ندارم ، خونه ندارم ، کار هم ندارم ، من از خودم متنفرم.»

اشک بر گونه هایش روان شد ، احساسی از نومیدی شدید سر تا پای وجودش را درنوردید.

همانطور که آنجا در قالب بی آلیش و پاک جوانیم ایستاده بودم ، خود را کتیف تر از او احساس کردم.

قطار در ایستگاهی که قرار بود پیاده شوم ، توقف کرد. در اتنایی که درهای قطار باز می شدند ، شنیدم که پیرمرد می گفت: «عجب ، عجب ، بنشین ، اینجا برایم تعریف کن ببینم.

راستش خیلی سخته ، راستش خیلی مشکله.»

بار دیگر سرم را برگرداندم و برای آخرین بار نگاهشان کردم. مرد مست روی صندلی ولو شده بود و سرش را بر دامن پیرمرد گذاشته بود. پیرمرد به نرمی و آرامی موه های کتیف و ژولیده او را نوازش می کرد.

آنچه را که من به زور بازو می خواستم انجام دهم او با کلمات محبت آمیز انجام داده بود. من به چشم خود شاهد هنر رزمی «آیکیدو» بودم و جوهره آن چیزی جز عشق و محبت نبود. من مجبورم این هنر رزمی را با روحیه ای کاملاً متفاوت تمرین کنم. من هنوز شایسته حل و فصل معضلات و درگیری های مردم نیستم و راه درازی تا رسیدن به آن دارم.

«تری دابسن»

اخبار و تقویم کلیسای

- یکشنبه ۱۶ اسفند ۹۴ = ۶ مارچ ۲۰۱۶، پنجم روزه

عهد عتیق: سفر پیدایش فصل ۱۶ آیه ۱ الی آخر

رساله: رومیان فصل ۱۲ آیه ۱ الی آخر

انجیل: یوحنا فصل ۷ آیه ۳۷ الی ۵۲ و فصل ۸ آیه ۱۲ الی ۲۰

- یکشنبه ۲۳ اسفند ۹۴ = ۱۳ مارچ ۲۰۱۶، ششم روزه

عهد عتیق: پیدایش فصل ۱۹ آیه ۱ الی ۷ و آیه ۹ الی ۲۶

رساله: رومیان فصل ۱۴ آیه ۱۰ الی آخر

انجیل: یوحنا فصل ۹ آیه ۳۹ الی فصل ۱۰ آیه ۲۱

- ۲۹ اسفند ۹۴ = ۱۹ مارچ ۲۰۱۶، عید حضرت یوسف شفیع کلیسا. نماز این عید یکشنبه بعد برگزار می گردد.

- یکشنبه ۱ فروردین ۹۵ = ۲۰ مارچ ۲۰۱۶، یکشنبه اوشانا

عهد عتیق: ذکریا فصل ۴ آیه ۸-۱۴ و فصل ۷ آیه ۹-۱۰ و فصل ۸ آیه ۴-۵ و ۱۲-۱۹ و فصل ۹ آیه ۹-۱۲

رساله: رومیان فصل ۱۱ آیه ۱۳ الی ۲۴

انجیل: متی فصل ۲۰ آیه ۲۹ الی فصل ۲۱ آیه ۲۲

- تمام این هفته پرهیز از گوشت و روز جمعه مقدس روزه تا ظهر می باشد

- ۵ فروردین ۹۵ = ۲۴ مارچ ۲۰۱۶، پنجشنبه مقدس، نماز ساعت ۳:۰۴ در کلیسای حضرت یوسف برگزار می گردد.

عهد عتیق: خروج فصل ۱۲ آیه ۱-۲۰

رساله: اول قرنتیان فصل ۵ آیه ۷-۸ و فصل ۱۰ آیه ۱۵-۱۷ و فصل ۱۱ آیه ۲۳ الی آخر

انجیل: متی فصل ۲۶ آیه ۱-۵ و ۱۴-۳۰

- ۶ فروردین ۹۵ = ۲۵ مارچ ۲۰۱۶، جمعه مقدس نماز ساعت ۵ بعد از ظهر در کلیساهای حضرت یوسف و مریم برگزار میگردد.

عهد عتیق: اشعیاء فصل ۵۲ آیه ۱۳ الی فصل ۵۳ آیه ۱۲ و دانیال فصل ۹ آیه ۲۰-۲۷

رساله: غلاطیان فصل ۲ آیه ۱۷ الی فصل ۳ آیه ۱۴

انجیل: لوقا فصل ۲۲ آیه ۶۳ الی فصل ۲۳ آیه ۱۲ و متی فصل ۲۷ آیه ۱۹ و لوقا فصل ۲۳ آیه ۱۳-۲۳

- ۷ فروردین ۹۵ = ۲۶ مارچ ۲۰۱۶، شنبه مقدس، نماز شب عید رستاخیز ساعت ۱۱ شب در کلیسای حضرت یوسف و

ساعت ۷ شب در کلیسای حضرت مریم برگزار می گردد.

عهد عتیق: یونس فصل ۲ آیه ۱-۱۰

رساله: اول قرنتیان فصل ۱ آیه ۱۸ الی آخر

انجیل: متی فصل ۲۷ آیه ۶۲ الی آخر

- ۸ فروردین ۹۵ = ۲۷ مارچ ۲۰۱۶، یکشنبه عید رستاخیز

عهد عتیق: اشعیاء فصل ۶ آیه ۱-۷

رساله: رومیان فصل ۵ آیه ۲۰ الی آخر

انجیل: یوحنا فصل ۲۰ آیه ۱-۱۸

- ۹ فروردین ۹۵ = ۲۸ مارچ ۲۰۱۶، روز دوم عید رستاخیز، نماز ساعت ۱۰ صبح در کلیسای حضرت مریم برگزار میگردد.

اعمال رسولان: فصل ۲ آیه ۱۴-۳۶، افسسیان فصل ۶ آیه ۱۰ الی آخر، یوحنا فصل ۱۴ آیه ۱۸ الی فصل ۱۵ آیه ۱۵